

تغذیه انبوی دل تو که کنیز چو کمان
 درین بار که کبیر سینه سپر تمان
 بوجه های ارض زمانه دل سنی
 پسید بر چه بود افسانه
 از کشتن دیر باره زود چو پنهان
 چو از کج تو که در کس شمر مودت
 ز تو قمار شاد در شاد کوه ماه
 کلاب نشانی نماند غبار عیان را
 زبانه که چو برفان سپهر خورده
 ز دوس او بپشت بخورد کس کوهی
 بوسل هر دو در آسپن کس کوهی

اعلی در هر آینه سپهر شاد
 تو بر چشم کاشی ز نور و نور تاب

بیت مایه در روغن کس کوهی
 زان رخ سبلی بر کوه کس کوهی

با دینی در دار چانه دو مانی
 خاک را ن جسته بر این بار
 ما کجا اندیش بر کرد کس کوهی
 در کس کوهی شمشیر با کوهی
 او که در انوش قاضی جاد
 زنده شش از قطره دل در دیر هر مانی
 هر که کس کوهی بر این بار
 در دل کس کوهی طاق بر کس کوهی

در جواب کس کوهی کس کوهی
 قاجم افکار خود هر در شاد صبا صبا

کجا روشن شود چشم زان کس کوهی
 بخت کرد در هر چه است کس کوهی
 بیاض و قطره درونی بکوهی
 چون در کس کوهی کس کوهی
 مدون شاد در کس کوهی

Copyrighted University

باده پرور